

سکه‌های ضرب کازرون و کتاب فردوس المرشدیه

ضمن مطالعه چاپ اخیر کتاب ارجمند فردوس المرشدیه که بکوشش آقای ایرج افشار، از طرف انجمن آثار ملی طبع و نشر یافته، نکاتی چند بنظر بنده رسید که تقدیم آنرا به مجله گرامی آینده بی فایده ندانستم.

اول - همانطور که در ذیل نوشته مختصر حقیق در صفحه ۲۶۲ آن کتاب توضیح فرموده‌اند، اطلاع بسیار جالبی درباره ضرب سکه بنام شیخ ابواسحق در صفحه ۳۵ بدین شرح داده شده :

"... شیخ قدس سره العزیز گفت : الهی دانم که هیچکس از حضرت تو ناامید نگردد، آن خواهم که ملک فارس و کرمان هر دو بمن بخشی. از حضرت حق جواب آمد که یا ابراهیم ملک فارس ترا بخشیدیم و سلطنت و پادشاهی ترا دادیم، چنانکه نام تو در همه عالم مشهور و مقبول بود، لیکن ملک کرمان پیش از این به شاه شجاع بخشیده‌ایم، تو محتاج ملک دیگران نیستی. اما بعوض ملک کرمان ترا سه چیز بخشیدیم که آن سه بهیچکس نداده‌ایم : یکی طبل، تا شام و بام بر در تو نوبت میزنند همچنانکه برادر پادشاهان زنند، دیگر علم، تا هرکجا علم تو برسد همه ظفر و فیروزی بود، سه دیگر سکه زر که در کازرون زر بنام تو زنند..."

این روایت از چند نظر قابل تأمل و استفاده است : یکی اینکه محمود بن عثمان در همان صفحه ۳۵ تاریخ تألیف خود را بصراحت سه شان و عشرین و سبعمائنه (۷۲۸) ذکر کرده .

نکته‌ای که مخصوصاً برای سکه‌شناسان قابل استفاده است اینست که در این روایت از ضرب سکه طلا با نام ابواسحق گفتگو شده و حال آنکه در میان سکه‌هایی که تاکنون با نام شیخ بدست آمده، سکه‌ای از جنس طلا مشاهده نشده است. البته در موارد بسیار دیده شده که در متون کهن و حتی بر روی خود سکه‌ها "زر" بجای "سکه" اعم از طلا و نقره بکار رفته، ولی در این روایت صریحاً ذکر شده که "سه دیگر سکه زر که در کازرون بنام تو زنند." و از اینرو هیچ جای شبهه نیست که لاقلاً در سالهای تألیف کتاب که این روایت پرداخته شده، در کازرون بنام شیخ

ابواسحق سکه زر نیز میزدند هر یک تاکنون هیچ نمونه‌ای از آن بدست ما نرسیده است.

دوم - در بعضی از سکه‌های ایلخانان و تیموریان از دارالضری بنام " کبیر شیخ " نام برده شده که متأسفانه هیچیک از سکه‌شناسان محل این ضرابخانه را، با اصطلاح آقای ایرج افشار، شناسائی جغرافیائی نکرده‌اند. تنها در کتاب " جهان اسلام، سکه‌های مشرق زمین و قیمت آنها " (۱) تألیف آقای میکائیل میت چینر (۲) که در سال ۱۹۷۹ از طرف مؤسسه انتشاراتی هاو کینز (۳) در لندن منتشر شده، در فهرست ضرابخانه‌ها نوشته است: " کبیر شیخ = شیراز ". اما از آنجا که بسیاری از سکه‌های ضرب کبیر شیخ، متعلق به طغاتیمورخان مغول است که هیچگاه برخلاف فارس تسلط استیلا نداشته تا در شیراز بنام خود سکه‌ای بزند، بعلاوه کلیه سکه‌شناسان منجمله خود آقای میت چینر این کلمه را " کبیر شیخ " و نه " شیخ کبیر " خوانده‌اند. با نظر ایشان مبنی بر اینکه " کبیر شیخ = شیراز " نمیتوان موافقت کرد و این ضرابخانه هیچگونه ارتباطی با نام شیخ کبیر ابوعبدالله خفیف، مراد شیخ ابواسحق کازرونی ندارد تا همان حکمی که درباره تغییر نام کازرون بنام شیخ ابواسحق صادق بسود درباره شیراز و " کبیر شیخ " یا " شیخ کبیر " صادق باشد.

سوم - سکه‌هایی از عهد تیموریان در دست است که محل ضرب آنها " شیخ مرشد " ذکر شده و از آن جمله است سکه‌ای که در تصرف دوست دانشمند آقای دکتر رضا شاپوریان میباشد و شرح آن چنین است:



روی دیگر متن
ولی العهد محمد سلطان خان
امیر تیمور گورگان
ضرب شیخ مرشد.



روی متن
الله الله
محمد
رسول الله

۳×۲۷ سانتیمتر - یک مثقال و نه نخود

این محمد سلطان خان نوه تیمور و پسر جهانگیر است که چون پدرش در جوانی درگذشت تیمور او را بولایت عهد خود برگزید ولی او نیز قبل از تیمور بسال ۸۵۵

هجری درگذشت. ظفرنامه، تیموری و فارسنامه، ناصری حکایت میکنند که این محمد سلطان در سال ۷۹۸ برای تسخیر هرموز از طریق فارس لشکر کشیده و تا اواخر سال ۷۹۹ در شیراز و سایر نواحی فارس بسر برده و باین مقدمه با احتمال قوی میتوان گفت که این سکهها در کازرون ضرب شده منتهی بجای استفاده از کنیه شیخ از لقب او که مرشدالدین بود استفاده کردهاند.

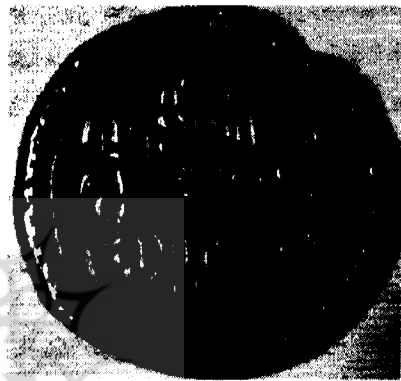
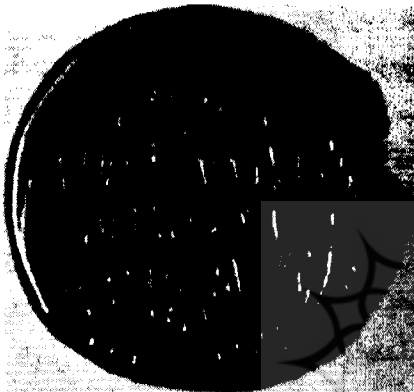
چهارم - بنده در ذیل مقاله، مربوط به سکههای ضرب کازرون با نام ابو-اسحق که در خاتمه فردوس المرشدیه چاپ شده، درباره سکه ابوسعید ایلخانی مضروب بسال ۷۱۹ عرض کرده بودم که "از نظیر آن در کاتالوگهانامی برده نشده و اگر در مجموعههای خصوصی هست شرحی درباره آن ننوشتهاند". اما پس از وصول کتاب آقای میت‌چینر ملاحظه شد که ایشان عین سکه مزبور را در صفحه ۲۶۱ کتاب خود گزاور کرده‌اند که متأسفانه با دو اشتباه همراه است. یکی آنکه تاریخ سکه را که قطعاً "تسع عشر و سبعائه (۷۱۹) میباشد تسع وعشیرین و سبعائه (۷۲۹) خوانده و دیگر آنکه این سکه را بشیخ ابواسحق اینحسو نسبت داده و در ردیف سکههای آن خاندان آورده و توجه نکرده‌اند که شروع سلطنت شاه ابواسحق در فارس سال ۷۳۴ یعنی ۲۴ سال بعد از ضرب سکه فوق می‌باشد.

با اینهمه باید عرض کنم که رویهمرفته کتاب آقای میت‌چینر متضمن فواید و اطلاعات وسیع و ارزنده‌ایست درباره رسم الخط و اوزان و مقادیر سکهها و ضرب - خانههای مالک اسلامی از جنوب اسپانیا تا شرق اقصی، همراه با تصاویر و نرخ تقریبی امروز سکهها در بازارهای بین‌المللی که برای علاقه‌مندان باین رشته قابل استفاده است.

پنجم - باینکه آرامگاه شیخ ابواسحق کازرونی در ادوار مختلف مورد احترام و توجه مردم دور و نزدیک بوده، مسلم است که خزائن و اندوختههای چشمگیر آن هرگز از دست‌درازی و چپاول غارتگرانی که گاه و بیگاه بر آن حدود دست‌یافته‌اند محفوظ و مصون نمانده‌است، چنانکه یکبار سلطان غیاث‌الدین خوارزمشاه که در سال ۶۲۱ هجری مدتی کوتاه بر فارس استیلا یافته به این‌کار دست زده و این واقعه را محمد زیدری نسوی، منشی سلطان جلال‌الدین منکبرنی، در اثر ارزنده خود بنام "سیره جلالی" که آقای محمدعلی ناصح ترجمه کرده‌اند باختصار چنین آورده‌است: "و نیز از مزار شیخ ابواسحق شیرازی مالی خطیر که بمرور زمان از نذور مردمان

گردآمده بود به جملگی برپود و بدین وسیلت آبی بروی کار بازآورد. " اما با اینکه این واقعه تقریباً یک قرن قبل از تألیف فردوس المرشدیه روی داده محمد بن عثمان هیچگونه اشاره‌ای بدان نکرده است .

ششم - به جبران مافات که همراه با مقاله مندرج در ذیل فردوس المرشدیه سکه ابوسعید ایلخانی ضرب سال ۷۱۹ کازرون با نام ابواسحق، که مستندان مقاله بود ارسال نشد، اینک تصویر آن سکه را بمجله گرامی آینده تقدیم می‌کنم تا در صورت چاپ دیگری از آن کتاب مورد استفاده قرار گیرد.



Oriented Coins and Their Values. The World of ۱
Islam.

Michael Mitchiner ۲

Howkins Publications ۳

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

توضیح آینده:

مطلبی که آقای عقیلی از سیره جلالی ترجمه آقای ناصح نقل کرده‌اند در ترجمه قدیمی کتاب که به تصحیح مرحوم مجتبی مینوی در تهران طبع شده (۱۳۴۴) چنین آمده:

"و الپرخان را به کازرون فرستاد و آثار شیخ ابواسحق شیرازی آنجاست . بر آن مستولی شد و دست درازی و هتک حرم تقدیم داشت و آنجا بر مرور دهور اموال صدقات و نذورات جمع شده بود همراه الپرخان به خزانه خود نقل گردید و بدان متحمل شد. " (ص ۱۰۴)